



خبرنگاری که جلوتر از رزمندگان برای ثبت مقتل حرکت می‌کرد

ما پیروان نسل زینبیم (ع) غیرت زینب در رگهای ماست و قدرت حسینی در دستانمان؛ قلیمان از علی (ع)، خلقمان از محمد (ص) و زبانمان از فاطمه (س) است. این قلم در دستانمان امانتند و روزی بابت این امانت از ما سؤال خواهند کرد.

ما پیروان نسل زینبیم (ع) غیرت زینب در رگهای ماست و قدرت حسینی در دستانمان؛ قلیمان از علی (ع)، خلقمان از محمد (ص) و زبانمان از فاطمه (س) است. این قلم در دستانمان امانتند و روزی بابت این امانت از ما سؤال خواهند کرد. پنجاه و هشت روز از تابستان گرم سال 1336 آبادان می‌گذشت که غلامرضا رهبر در آنجا و در میان فضای گرم و صمیمی خانواده ای متدین به دنیا آمد.

او از همان ایام کودکی به گویندگی علاقه داشت. پدرش سالها در استان خوزستان خبرنگار بود ولی استعداد غلامرضا او را به وادی گویندگی و کار خبری کشاند نه موقعیت شغلی پدر. او در سال پنجم دبیرستان دوبار پشت سر هم عنوان قهرمانی را در مسابقات گویندگی دانش آموزی در سطح استان کسب نمود.

پس از اتمام تحصیل و اخذ دیپلم به خدمت سربازی اعزام شد. او به خاطر مطالعاتی که در عرصه های گوناگون خصوصاً مسائل مذهبی داشت، در پادگان اقدام به نشر افکار مذهبی خویش در میان هم قطارانش می نمود. او بارها و بارها به علت بیان مسائل از دیدگاه حضرت امام خمینی (ره) توسط فرماندهانش توبیخ شد.

وقتی حضرت امام خمینی (ره) دستور تخلیه ی پادگانها و مراکز نظامی را صادر نمودند، غلامرضا نیز همراه دوستان متدین خود از پادگان محل خدمت خارج شد و به صورت علنی به صف مبارزان انقلاب پیوست.

او پس از پیروزی انقلاب اسلامی مدتی با نهادهای انقلابی وقت همکاری کرد. در مرداد ماه 1358 به استخدام صدا و سیما درآمد و پس از مدتی کوتاه مدیر گروه خبر رادیو نفت آبادان شد.

وقتی رژیم بعثی عراق به حریم جمهوری اسلامی ایران تجاوز آشکار خود را به منظور انهدام نظام اسلامی آغاز کرد، او در رادیو آبادان همچنان مقاوم ایستاده و با صدای پرصلابتش همگان را به دفاع از سرزمین اسلامی این مرز و بوم تشویق می نمود.

غلامرضا رهبر، اولین کسی بود که خبر ورود نیروهای دشمن را به آبادان به مردم داد و بیانیه ی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی آبادان را برای مردم قرائت کرد. هیچ یک از مردم غیور آبادان لحن لبریز از حماسه اش را از یاد نخواهند برد.

حاج غلامرضا رهبر، پس از بازگشت از سفر خانه ی خدا در سال 1360 با خانواده ای مؤمن وصلت نمود. فاطمه تنها یادگار حاج غلامرضا حاصل این ازدواج است.

حاج غلامرضا رهبر با طولانی تر شدن جنگ به عنوان نماینده ی صدا و سیما در قرارگاه خاتم الانبیا مستقر شد و خبرنگاران را برای پوشش دهی صحنه های نبرد هدایت نمود. خود او جزو اولین کسانی بود که با شروع عملیات همپای رزمندگان بلکه گاه جلوتر از آنان وارد معرکه ی نبرد می شد تا از نزدیک حوادث را ثبت و ضبط نماید.

همین نزدیکی وی به شرایط درگیری سبب شده بود که از نبردهای بزرگ مانند عملیات والفجر هشت زخمهای عمیقی را با خود به یادگار بیاورد، ولی این مجروحیت ها هرگز وی را از جبهه دور نمود.

سرانجام در تاریخ 21 دیماه 1365 در منطقه ی عمومی شلمچه در عملیات کربلای پنج با همه ی عشقی که به حضرت زهرا (س) می ورزید با مادر سادات ملاقات کرد و پس از شش سال مجاهدت مستمر در راه خداوند متعال شربت شهادت نوشید.

دست نوشته شهید غلامرضا رهبر

ما پیروان نسل زینبیم (ع) غیرت زینب در رگهای ماست و قدرت حسینی در دستانمان؛ قلبمان از علی (ع)، خلقمان از محمد (ص) و زبانمان از فاطمه (س) است. این قلم در دستانمان امانتند و روزی بابت این امانت از ما سؤال خواهند کرد.

قسمتی از وصیتنامه شهید حاج غلامرضا رهبر

دنیای آبادان با دنیای خارج از آن تفاوت دارند. آبادان برای ما معنویات و الهیات و این جنگ کلاس درس است. این راه الهی است که خود انتخاب کرده ام و از خدا می خواهم که اگر در این راه کشته یا زخمی گشتم فقط برای او بوده باشد. خدا را فراموش نکنید. نماز، عبادت و تقوا را پیشه ی راه خود کنید. کمی به درون خود بنگریم و از زندگی پست مادی و لجنزار غرب گرایی بیرون آییم و ببینیم آنچه را که اسلام حکم کرده به نفع ماست و بنگریم که چقدر در اشتباهیم و متوجه نیستیم.